

مسبب واقعی کیست؟ (در باره خودکشی)



هاله طاهری

سردشت که بدلیل اختلافات خانوادگی اقدام به خودسوزی نمود، دختر ۲۴ ساله ملا شیخ مقیم سردشت که به دلیل اجبار به ازدواج با مرد ۶۰ ساله ای خودکشی کرده و درگذشت، بهاره دارایی اهل سقز که حاضر نشد تن به ازدواج اجباری بدهد و به زندگی خود پایان داد همه و همه گوشه هایی از یک تراژدی عظیم انسانی در ایران است. سالانه فشار زندگی عرصه را چنان به مردم تنگ نموده که هزاران نفر نا امیدانه راه نجات را در نابودی فیزیکی خود می یابند. فضای خانه، مدرسه و محیط کار آلوده به اخلاقیات ضد انسانی و زن ستیزانه با ارزشهای اسلامی و واپسگرایانه قرون وسطایی است. جمهوری اسلامی همواره کوشیده تا مانع از درز و افشای آمار

آزادانه همسر، خشونت در خانواده و جامعه، محدودیتها، ناکامیهای اجتماعی و بحرانهای ناشی از بلوغ جنسی تنها نمونه هایی از علل وقوع خودکشی در میان جوانان و بویژه دختران می باشد. زنی را در جهنم جمهوری اسلامی تصور کنید که می خواهد از شر کتک کاریهای شوهر رها شود. نگاه پدر و مادر سرزنش آمیز است. پشتوانه مالی بعد از جدائی ندارد. خود پرورس از طلاق یا غیر ممکن و یا بسیار سخت و پر مخاطره است. نگاه بخشی از همسایه ها و اقوام تحت فشار سنگین قوانین اسلامی و عقوبتهای بی رحمانه ناشی از سرپیچی از آنها به او مشکوک، تحقیر آمیز و پر از هشدار است. دولت در کمین بوده تا به محض نقض قوانین او را به جای سنگینی محکوم کند. همه ما در این ۲۳ سال حاکمیت نکتب اسلامی دیده و شنیده ایم که چطور این رژیم هار زنان را سنگسار کرده است،

صفحه ۲

معضل اعتیاد
صفحه ۳
اعلام موجودیت کانون
دفاع از حقوق زنان
در کردستان
صفحه ۴
کشتار مردم فلسطین
باید فوراً متوقف شود
صفحه ۴

ایسکرا
سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574
آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال
هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
طول موج
۴۱ متر برابر با
۷۵۲۰ کیلوهرتز
تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷
روزهای یکشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

"کردایه تی" به روایت پرچمداران آن

میشوند؟ آیا به بچه هایشان میگویند جشن تولد با ذکور میکی ماوس چه مزخرفی است؟ آنها را آموزش میدهند که بجای استفاده از آخرین وسائل و کامپیوتر و سی دی های بازی، و تفریح و گردش و به سینما و تئاتر رفتن، با گردو و مازو تیله بازی کنند و به حمام و وان و استخر نروند؟ وقتی میخواهند برای دوستانشان پز بدهند، کپر و "که ویل" و "کوخ" خود را برخشان میکشند یا ویلا و آخرین مدل ماشین بنز و ولوو و آوودی و حساب های بانکی شان؟ اگر بچهشان از گرسنگی سرشان داد بکشد فوراً برایش پیتزا و مرغ کنتاکی سفارش میدهند یا میگویند خفه شو، باید به روزی یک وعده نان خشک و دوغ و یا "دوینه" قناعت کنی؟

صفحه ۲

و کلا، سبک زندگی غربی تعریف میشود. اما همین فضایی کردایه تی یک "خیانت" در وفاداری به این آرمان والا را همواره نیز مرتکب میشوند. جا دارد از حضرات پرسید آیا خودشان واقعا در زندگی روزمره در هرکجای دنیا، خواه کردستان و یا اروپا و آمریکا و یا حتی در همان مقرهایشان شوربا لپه میخورند؟ آیا واقعا امثال جلال طالبانی و مسعود بارزانی و خیل حکام سلیمانیه و اربیل برای یکبار در عمرشان هم تلیت گوجه فرنگی را مزه کرده اند؟ آیا این عاشقان پاتول و جامانه نه تنها در شهرهای اروپا و آمریکا بلکه بطور معمولی با جامانه و پاتول ظاهر

شماره گذاری شده بی هویت، و با هویت نه چندان خوشنام و نیز راقمان نثر هجائی این مکتب نازنین را دربرمیگیرند، در فرمایشاتشان گفته اند به شدت به "کرد" و "فرهنگ کردها" وابستگی ناموسی و خونی دارند و قصد ندارند بهیچوجه از ایستادگی در برابر حمله به سنن و عرف و فرهنگ کردایه تی کوتاه بیابند. از نظر اینها "کرد" با خصائلی از جمله شوربا لپه خوردن و تلیت گوجه فرنگی، و جامانه و پاتول پوشیدن و حفظ اصالت زبان و زندگی در کوهستانها و سنگلاخهای دور از هر نوع تمدن و رنگ و بوی شهر، و نفرت و بیزاری از لباس جین و کت و شلوار و اسپورت



ایرج فرزاد

پرچمداران کردایه تی و "طیف" رنگارنگ این حوزه علمیه که از هنرمندان بزرگ در محافل حقیر تا مقاله نویسان حروف و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

◀ کردایه‌تی

کمدی‌های لباسشان پر از انواع دوختنی‌های جشن و عزا و میهمانی و شب نشینی است یا فقط یک پیراهن چیت را همیشه و تا پاره شدن و گاهی تا قبر برتن دارند؟ از امکانات بهداشتی و وسائل ضد بارداری و مشاوره‌های مددکاران بهداشتی استفاده میکنند یا بخاطر ازدیاد نسل "کرد" تا وقتی که ممکن است بچه دار میشوند و مهم نیست که بیمارستانی برای وضع حمل باشد یا نه؟ به مسافرت و مرخصی و تعطیلات و جزایر قناری میروند یا به عشق کردستان و خاک مقدس‌اش، تکبیه و خانقاهی در زیر زمین خانمشان ترتیب میدهند؟ در اطاق خواب خود و بچه‌هایشان عکس مادونا و مایکل جکسون و بریتنی سپیرز را نصب میکنند یا تمثال شیخ محمود و قاضی محمد و ملامصطفی و سید زنبیل را؟ وقتی برتریهای بچه‌هایشان را نشان دیگران

میدهند میگویند از سن ۴ و ۵ سالگی تران بز و گوساله چرانی را با یک وعده نان و دوغ از خود نشان داده اند یا مدالهای قهرمانی شنا و بدمیتون و تنیس و والیبال و بسکتبال را رو میکنند؟ استعدادهای یادگیری چند زبان خارجی و نمره‌های ممتاز را به رخ این و آن میکشند یا عشق به "اصالت" بی سواد و زندگی دور از هر تاثیر تمدن را در بوق میکنند؟ زیبایی، خوش تیپی، خوش سلیقگی و شیک پوشی را بعنوان امتیاز خود در رقابتهای محافظشان برجسته میکنند یا شپش و آثار پهن و کار در طویله و زرنگی در پای تنور نان و محرومیت از هر آنچه نشان زندگی دارد؟ معلوم است که اینها دارند مهمل میگویند، اینها خاک و قناعت به فقر و بدبختی را برای مردم زحمتکش کردستان میخواهند و خود در زندگی معمولی، کت و شلوار میپوشند و کراوات میزنند و تلاش هم میکنند بچه‌هایشان را به دانشگاه‌های اروپا بفرستند. بروید تحقیق کنید: همین حضرات

هم اکنون هم در پاریس و لندن و واشنگتن و استکهلم و اسپالا خانه و ویلا دارند و خود و فرزندان‌شان سیتیزن کشورهای غربی اند. به مردم کردستان که می‌رسند پاک خود را شیفته زندگی چوپانی و بدور از تمدن و فرهنگ و بهداشت و تغذیه و مسکن مناسب نشان میدهند. و ما هم جز افشای این زندی و دورویی کار دیگری نکرده‌ایم، گفتاهیم لطفا آنچه را که برای خود و خانواده و ایل و تبارتان می‌پسندید، شایسته مردم زحمتکش کردستان هم بدانید، به این مردم هم حق بدهید که برای رفاه بکشند و به سر کردن با تللیت گوجه فرنگی و زندگی در میان بز و گوسفند پایان دهند، به آنها هم حق بدهید که با معیارهای دنیای شهری امروز از زندگی توقع داشته باشند همانطور که شما حضرات برای خودتان جز این نمیکنید. جناب هنرمند "بزرگ" باند زحمتکشان که خود را شیفته خاک کردستان معرفی میفرمایند، لطف بفرمایند زندگی

خود را به همان خاک منتقل کند و اجازه دهد که مدتی آن مردم زحمتکش محروم و کودکان بیشمار کردستان بجای ایشان قدری از آن نعمت و میراث "کردایه‌تی" فاصله بگیرند، بگذارند که آن بیچاره‌ها هم با سینمای والت دیسنی و پارکهای باشکوه و، و همبرگر مک دونالد و برگر کینک آشنا شوند، لطف کنند حضرتشان برون هنرشان را بجای عرضه به قصد گرفتن "شباباش" در عروسی پسر "به ریز" مام جلال و در خدمت پرنس‌ها و بگ زاده‌ها و خواتین، در "شاخ و داخ" های خاک "مقدس" کردستان و برای بز و گوسفندها اجرا کنند و به هزاران انسان زحمتکش حداقل این حق را بدهند که برای مدت کوتاه هم که شده باشد، زندگی ای را که امثال هنرمند بزرگ و سران عشاير حکام خود گمارده داشته و دارند، تجربه کنند. حضرات متظاهر به دلسوزی برای مردم کردستان زحمت بکشند یک مدت زندگی کودکان معصوم و نان آور خانواده را با کیسه

نایلون فروشی و واکسی و بلال فروشی و کدائی تجربه بفرمایند. قلم بدستان مجهول و معمول هم بهتر است بجای عقده ترکاندن و شیون برای سنن و تاریخ کردایه تی، اولاً در همین اروپا لباس اسپورتشان را از تن درآورند و کراواتهایشان را باز کنند و بجایش با تکیله و پاتول و جامانه به جشن و مراسم سور و ساتشان تشریف ببرند و ثانیاً قدم رنجه کنند و زندگی در ویلاها را ترک کنند و بروند نه در پناه مقر "مام" جلال و خوان و سفره رنگین او، که در میان شپش و کک و گنه و در فقدان کامل بهداشت و دوا و دکتر زندگی "بی آلیش" و دور از هر نوع تاثیر تمدن و شهر را در کنار قبر مشایخ و کوسه هیچج و مزار مم و زین، پیشه کنند. حداقل به گفته خود عمل کنند، جشن تولد نگیرند و هدیه تولد تهیه نکنند و بازبهای کامپیوتری برای بچه‌هایشان نخرند، پول و سرمایه برای آینده خود و بچه‌هایشان پس انداز



مسبب واقعی کیست؟

چطور مردانی در جامعه با پشتوانه دولت و دستگاههای قضایی به روی زنان اسید پاشیده‌اند، چطور تحت نام ناموس پرستی آنان را به قتل رسانده و یا زیر باران کتک و شکنجه ناقص العضو کرده اند. این زن در خلوت دنیای پر از مخاطره و بدون روشنایی کسی را نمی بینید. هر لحظه آن برای او سالیست. انتخاب آلترناتیوهای موجودی که جلو پای او در این جهنم قرار داده شده انتخابی میان بد و بدتر است: یا باید به شرایطی که به آن معترض بوده دوباره تن دهد و به زندگی سابق و رابطه پر از تحقیر و زورگویی رضایت دهد، یا خود را برای مجازاتهای سنگین آماده کند. راه دیگری در آن جهنم و در آن شرایط سخت، حداقل در نگاه اول، موجود نیست. خودکشی در واقع چیزی جز راه برون رفت از این بحران از سر یاس و استیصال نیست. فاصله اجرای حکم مرگ به دست خود در اوج افسردگی، وقتی که هیچ دست امیدی وجود ندارد بسیار کم است.

نفرت از همه چیز حتی از جان خود، بی ارزش پنداشتن خود و دریایی بیزاری از هرچه در دور و بر هست در یک لحظه او را به کام شعله های آتش می کشاند. بیایید با هم نگاهی از نزدیک به علل این نمونه تیپیک خودسوزی بیندازیم. زن مذکور مورد خشونت جسمی توسط شوهرش قرار گرفته که خود ناشی از سیستم مردسالارانه جامعه با ارزش گذاریهای منحنط اسلامی و زن ستیزانه است. قوانین اسلامی همه دال بر بی حقوقی زنان است: حق طلاق، ازدواج، انتخاب شغل، سرپرستی فرزندان و خیلی چیزهای دیگر به مردان در نقش پدر، شوهر، برادر و دیگر بستگان نزدیک واگذار شده است. تازه آنجا که او می خواهد از شر خشونت و اذیت و آزار رها گردد با مقاومت قانون روبرو است. دستگاههای قضایی او را به سرپیچی از قوانین خانواده بر طبق شرع اسلام محکوم می کنند. بر طبق تفاسیر اسلامی زنان کم عقل، مظلوم و ضعیفه اند. روزانه در مدارس، محیط کار، مساجد و اماکن عمومی ملاها و

جیره خوران رژیم به ترویج و ابقا این بیئش مشغولند. روزانه به کرات در گوش مردم می خوانند که فروستی زن ابدی و اذلی بوده و کاری اش نمی شود کرد. میگویند "خلقت" زن چنین است، طبق آیه های قرآن و احادیث و روایات امامان و پیامبران زن بعنوان زن، "فطرتا" فاسد و منشا شر است، شرعا باید خانه نشین باشد و "نامحرم" یعنی کل جامعه غیر از ارباب و شوهر او نباید روی او را ببیند، صدای حرف زدن بلند او را بشنود، لباس زیبا نپوشد. حتی در احادیث امامان صریح و وقیح آمده است که بیشترین ساکنان جهنم خدانودی را زنان تشکیل میدهند. اما فقط تصور کنید لحظه ای این دستگاه سرکوب انسان، این ماشین ضد زن و این سیستم مخوف زن آزاری و زن ستیزی وجود نداشته باشد، تصور کنید به جای فرهنگ ضد زن اسلامی یک فرهنگ انسانی و برابری طلبانه وجود داشته باشد، تصور کنید که زور و ستم کشی وجود نداشته، انسانها آنچه را که اراده می کنند و دوست دارند بر می گیرند. تصور کنید جدائی

و طلاق، ازدواج و انتخاب فرد موردعلاقه، دوست داشتن و عشق ورزیدن امری کاملا خصوصی بوده و جامعه امنیت اقتصادی انسانها را تامین کند، تصور کنید که هیچ کس حق تجاوز به حریم خصوصی شما را نداشته باشد، تصور کنید که در مقابل هر گونه خشونت و توهینی به شما، جامعه با همه قدرتش از حقتان دفاع کرده و پشتیبانتان باشد، تصور کنید که هر گاه شما خود را افسرده و ناامید از زندگی بدانید، نهادهای اجتماعی دست کمک بسویتان دراز کرده و به سراغتان می آیند تا شما را از این ناامیدی و بن بست خودکشی نجات دهند. تصور این دنیا غیر ممکن نیست. این آرزوی میلیونها انسان بر کره زمین و از آن جمله مردم ایران بوده و دارای جنبش و آلترناتیو خود است. برای رفع تبعیض بر زنان، برای بر پایی برابری زن و مرد در تمام عرصه ها، برای جلوگیری از خشونت و توحش اسلام و فرهنگهای پوسیده ناشی از آن تنها یک راه نجات وجود دارد: پیوستن به صف جنبش برابری طلبی. همه شما جوانان، همه مردم

رنجیده از دست توحش اسلام سیاسی که برای مرگ این رژیم لحظه شماری می کنید متعلق به این جنبش هستید. با مبارزات تان علیه جمهوری اسلامی و سنن ارتجاعی و مذهبی و اسلامی می توانید تعلق فعالتان تان را به این جنبش نشان دهید. مبارزات شما همگام با مبارزه برای بریز کشیدن اسلام سیاسی از قدرت، دوش بدوش مردم سراسر جهان که برای دنیائی شایسته انسان تلاش میکنند، منشا نیرو و عامل مهمی در غلبه بر یاس و استیصال است و موجب قوت قلب برای صدها نفر دیگر است که در خطر انزوا و گوشه گیری و خودسوزی و خودکشی هستند. در این اردوی بزرگ همواره دوستان زیادی در کنار هم در سختترین لحظه های زندگی یاور همدیگرند. بیایید به جای فکر کردن به خود کشی، به جای ناامید شدن از تغییر جهان، از همین حالا و برای زمانی نه چندان دور به تغییر بیندیشیم و بر ویرانه های این جهان وارونه دنیایی شایسته انسانیت بسازیم!



پاسخی به معضل اعتیاد در شهرهای کردستان



نسرین رمضانلی
pramzanali@yahoo.de

در هفته های اخیر چندین گزارش از مرگ و خودکشی جوانان در شهرهای مختلف کردستان در اثر اعتیاد به مواد مخدر بدستمان رسیده است. مرگ پدرام بیداری دانشجوی ۲۳ ساله و مهرداد منبری جوان دیگری که در هفته گذشته به زندگی خود پایان دادند تنها دو نمونه در هفته گذشته بوده است. در چند ماه گذشته بر طبق گزارشاتی که به دست ما رسیده در مجمع بیش از ۱۰ مورد خودکشی بر اثر اعتیاد بوده است. اعتیاد در کردستان بیداد می کند به ما بگوئید چکار کنیم. صحبت چند دقیقه ای جوانی بود که می خواست بداند چگونه می توان با اعتیاد مبارزه کرد. گسترش و روی آوری جوانان به مصرف موادمخدر در طول دودمه گذشته حاکمیت رژیم

جمهوری اسلامی ابعاد وسیعی به خود گرفته است. عوامل رژیم اسلامی به همراه باندهای قاچاق موادمخدر که مشخصا کارشان توزیع مواد مخدر و کشاندن جوانان به اعتیاد می باشد، مستقیما در این امر دخالت دارند. کنترل و پخش موادمخدر بنابر اخبار و گزارشاتی که از شهر های مختلف کردستان بدستمان رسیده است در دست مزدوران رژیم می باشد. سیاستی که پشت این جنایت غیر انسانی خوابیده است، یعنی خارج کردن نسل جوان از گردونه زندگی عادی و به اضمحلال کشاندن نسل جوان و معترضی است که بر علیه رژیم دست به مبارزه زده و نیروی جدی در مبارزات مردم بر علیه نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم در کردستان می باشد. جمهوری اسلامی در کنار سیاست سرکوب، زندان، شکنجه، تبعید با این سیاست ضد انسانی اش آگاهانه جوانان معترض را نشانه رفته تا بدین وسیله به امیال ضد انسانی خود یعنی سرکوب سیاسی اجتماعی اش را در خفه کردن صدای اعتراض و مبارزه این نسل دست یابد. زندان شکنجه، اعدام و سنگسار یک بخش از تعرض و وحشیگری جمهوری اسلامی بود در حق به مردم کردستان بوده و می باشد.

بعد دیگر سیاست ضد انسانی رژیم رواج دادن مصرف موادمخدر، کنترل توزیع آن در میان جوانان و تلاش برای به اعتیاد کشاندن جوانان می باشد. جوانان امروزی در کنار پدران و مادرانشان که در تمامی عرصه های مبارزه مردم بر علیه رژیم شاه بوده و طعم آزادی را در انقلاب ۵۷ چشیده بودند و می دانستند که این حکومت مذهبی جوابگوی نیازهای واقعی آنها نیست، از همان ابتدا بر سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی با شعارهای رادیکال علیه حکومت مذهبی به میدان آمدند. رژیم جمهوری اسلامی بیشتر از هر جای دیگر در ایران تلاش کرد که محیط جوانان را آلوده به موادمخدر کند. رحیمی شهردار قبلی سنندج علنا به تبلیغ و ترویج در خصوص مصرف موادمخدر می پرداخت و در عین حال همین مسئول دولتی رژیم به همکاری سایر باندهای حکومتی کنترل و هدایت باند مافیای موادمخدر را به عهده داشتند. ابعاد مصرف موادمخدر مدارس حتی به مدارس ابتدایی نیز گسترش پیدا کرده است. طبق گزارشات داده شده در مدارس دخترانه بیشترین مواد مخدر مصرف می شود. در گوشه و کنار محلات شهر سنندج

دختران و پسران جوان را می بینی که مواد مخدر مصرف می کنند. خانواده ها هراسان هستند که چگونه می توانند این هیولای وحشت انگیز را از خود دور کرده قبل از اینکه جان عزیزانشان را بگیرد. اعتیاد هم مثل بی مسکنی بیکاری فحشا تن فروشی فقر و فلاکت و نداشتن امنیت جانی و مالی یکی از عارضه های جامعه سرمایه داری است. چگونه می توان با اعتیاد مبارزه کرد؟ چگونه میشود اعتیاد را ریشه کن کرد؟ پاسخ به این سوال فقط می تواند مبارزه مردم و خانواده هایی که با این معضل اجتماعی دست به گریبان هستند به همراه کل جامعه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می باشد. گسترش مبارزه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی به عنوان عامل روی آوری مردم و به خصوص جوانان به اعتیاد می باشد. اینکه جمهوری اسلامی سیستم حکومتی و ساختار سیاسی و اقتصادی که بر جامعه ایران حاکم کرد، رژیمی که ضد انسانی ترین سیاست های ارتجاعی در حق به مردم تحمیل کرده است، رژیمی که با تحمیل بیکاری میلیونی، گرانی، بی مسکنی، بی افقی و پوچ بودن انسان را تبلیغ کرده و هم و غمش فقط حفظ حکومت کثیف اش می باشد، طبیعی است که برای این معضل نه تنها راه حلی ارائه ندهد، بلکه

از آن به عنوان حربه ای برای ادامه سیاست سرکوب و تروریزه کردن جامعه استفاده نماید. برای این جانیان ایجاد اشتغال، فراهم کردن امکانات یک زندگی انسانی و برخوردار از آزادی و امنیت ذره ای ارزش ندارد. جوانی که بیکار است، دانشجویی و محصلی که نمی داند در فردای پایان درش کاری پیدا خواهد کرد یانه، کارگری که مدام چوب اخراج کارفرما بالای سرش می باشد، دختر جوانی که هزاران هزار آرزوی انسانی دارد که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نمی تواند واقعیت پیدا کند، به عنوان برای کم کردن رنج و مرارت روزانه به آن مینگرد. عامل و مسبب اصلی این وضعیت رژیم جمهوری اسلامی می باشد. در ایران امروز پاسخ و راه حل جدی برای ریشه کردن این معضل اجتماعی گسترش مبارزه و اعتراض مردم بر علیه رژیم و نهایتا سرنگونی این حکومت کثیف می باشد. نباید اجازه داد جانیان اسلامی با این سیاست ضد بشری شان بیشتر از این از فرزندان مردم قربانی بگیرند. اعتیاد یک معضل اجتماعی می باشد و ریشه کن کردن آن هم راه حل اجتماعی دارد. در شرایط فعلی باید عامل و بانی اعتیاد یعنی رژیم اسلامی را با

◀ کردایه تی

نکنند، از بانک وام نگیرند و خانه و مسکن نداشته باشند، برای چک آپ به بیمارستان هائی که هیچ رگه ای از اصالت کردی ندارد مراجعه نکنند، و خیر تحصیل و یادگیری زبانهای "بیگانه" را به عطای خاک "نیشتمان" و بزغاله و گاو و گوسفند و کبک و تفنگ برنو و ساچمه زن آن، بیخشند. وقتی این عوامفریبی و دورویی سیاسی و تحقیر و اهانت به توقعات مردم زحمتکش کردستان را رو میکنیم، فریاد وا کردستان، و ای هوار شرف کردایه تی شان به آسمان بلند میشود چراکه عشاقان کردایه تی و فاشیستهای قوم پرست و

خاک پرست دقیقا حاضر نیستند آنچه را که برای خود روا میبینند، شایسته مردم کردستان هم بدانند. ما بیش از بیست سال است که میگوئیم مردم کردستان شهری اند، همواره برای زندگی بهتر و مرفه تر و با استانداردهای زندگی بشر دوران خود تلاش کرده اند، پیروان کردایه تی در مقابل همیشه مردم کردستان را عاشق کوه و دشت، در موقعیت رعایا و با فرهنگ دوران عشایری و شیفته عقب ماندگی، مذهبی و متعصب در حفظ رسوم و سنن دورانهای ماقبل شهر و شهر نشینی تصویر کرده اند و تعاریفشان از ملت و ملت سازی را هم با همان نگرش به مردم کردستان ارائه داده اند. وقتی علیه تحقیری که پیروان کردایه تی در

حق مردم کردستان روا میدارند، چیزی گفته شود، به نفرت پراکنی نژاد پرستانه روی میآوردند و داد و هوار "ضد کرد، ضد کرد" آنها به آسمان میرود. از این روست که زعما و شعرا و ادبا و هنرمندان کردایه تی آشکار و بی پرده و وقیح فاشیسم خود را در بسته بندی عوامفریبانه و در قالب دلسوزی برای "ملت کرد" در بازارهای مکاره سیاست و دیپلوماسی خود ارائه میدهند. به قول لنین "کمونیست" عوامفریبان بدترین دشمنان مردمند. با همین نام یعنی بعنوان کثیف ترین و بدترین دشمنان مردم کردستان، خیل رنگارنگ پرچمداران کردایه تی را رسوای خاص و عام میکنیم. به بازی کردن و دیپلومات بازی با

سرنوشت و مصیبتهای یک توده میلیونی نقطه پایانی خواهیم گذاشت. بگذار آتهائی که در عالم رویاهای ارتجاعی، غرق سما و ندیه و شیون اند تا مردم کردستان را در موقعیت "رعیت"، خادم و پیشمرگ و جانفدای اربابان و خیمه و خرگاه خانها و روسای عشایر مومیائی کنند از تلاش کمونیسم کارگری که خوشبختی، رفاه و تمدن و مدرنیسم و زندگی شایسته انسان امروز را حق مردم کردستان میدانند بر خود برلزند. جای فاشیسم کردی موزه آثار عهد عتیق و نمایشگاه دوران توحش و جاهلیت چادر نشینی و برده داری و عشایریازی است. کمونیسم کارگری سیمای مدرن و شهری جامعه کردستان را

نمایندگی میکند و گرایش مردم کردستان به ترقی خواهی، سکولاریسم و زندگی با معیارهای مدرن دنیای متمدن و شهری و صنعتی قوی، ریشه دار و وسیع است. کردایه تی و تلاش زعمای آن را برای ترسیم مردم کردستان بعنوان مردمی عقب افتاده، سنتی و مذهبی و با سطح توقعات پائین، متنفر از شهر و تمدن و در مقام رعایا و چشم انتظار مطیع و سربراه تصمیمات خوانین و بگ زاده ها و شیوخ و ملاها و سران "هوز" و عشیره، به شکست خواهیم کشاند.

۷ مارس ۲۰۰۲



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعلام موجودیت کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان

تبعیض و نابرابری جنسی علیه زنان مشخصه دنیای امروز است. در بخش اعظم جهان زنان رسماً و قانوناً از بدوی ترین حقوق خود بی بهره بوده و در جدال بر سر تحقق مطالبات خویش گاه‌ها به وحشیانه ترین اشکال ممکن مورد خشونت و سرکوب قرار می‌گیرند. علیرغم تفاوت فاحش در نحوه زیست و حقوق رایج در نظام‌های سیاسی پیشرفته تر و مدرن تر با نظام‌های سیاسی مستبد و عقب مانده، زنان در سراسر جهان، همچنان از حقوق بنیادی خویش محروم بوده و یا در عرصه های گوناگون اجتماعی مورد تبعیض واقع می‌شوند. هر چند در بعضی جوامع به یمن جنبش مدافع حقوق زنان و جنبش‌های سوسیالیستی بخشی از بی حقوق زنان در جامعه حذف شده است، اما نظام سرمایه داری با باورهای مردسالارانه حاکم در جامعه در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به فرودستی زنان تداوم بخشیده است.

علاوه بر این، در ایران ۲۳ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و تعرض و باز پس گیری آخرین دستاوردهای بدست آمده حقوق زنان در طی انقلاب ۵۷، جنبش زنان را قدمها به عقب راند اما هرگز به شکست نکشانید. احکام اسلامی ضد زن و آپارتاید جنسی کامل این رژیم، تنها نفرت و بیزاری عمیق را در میان مردم آزادیخواه بیشتر و بیشتر کرده است.

در جامعه کردستان علاوه بر حاکمیت سیاه اسلامی، حضور ناسیونالیسم با سنتهای عشیره ای، مذهبی به تقویت و ترویج عقب مانده ترین باورها و خرافات پوسیده اسلامی و مرد سالارانه تداوم بخشیده است. جنبش ناسیونالیستی و احزاب ناسیونالیست همواره حقوق زنان را به بهانه وجود مسئله ملی پایمال کرده اند.

جنبش کمونیسم کارگری در کردستان در دو دهه اخیر مطالبات و افق سوسیالیستی جنبش برابری طلبی و جنبش زنان را تصویر و تقویت کرده است. عین بودن جنبش برابری طلبی زنان و جنبش کمونیستی و بالا رفتن توقع و آرمانهای مساوات طلبانه در جنبش زنان در ایران و در کردستان و مبارزه برای پیشرفته ترین دستاوردهای عصر حاضر در جهان از دستاوردهای جنبش کمونیسم کارگریست.

جنبش زنان در کردستان از جنبش سراسری در ایران و در نهایت جنبش جهانی برای حقوق برابر زن و مرد جدا نیست. جنبش زنان در کردستان گسترده، پرتوقع و زنده است، تصویر زن عقب مانده و کم توقع، "نیکو و مومن" کرد، که ناسیونالیسم ارائه میکند، وارونه، غیر واقعی و ریاکارانه است.

برای رسیدن به برابری و مبارزه علیه هر گونه بی حقوقی علیه زنان در کردستان، ما برنامه حزب کمونیست کارگری ایران، یک دنیای بهتر، را مبنا و پلتفرم کار خود قرار می‌دهیم.

کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان خود را بخشی از تلاش و مبارزه جنبش وسیع و برابری طلبانه زنان میدانند. کانون بطور مستقیم‌تر علیه بیحقوقی زنان در کردستان و تامین برابری کامل زن و مرد در این جامعه مبارزه میکنند. در این راستا مقابله با جنبشها و گرایشات ضد زن جامعه کردستان و منجمله مردسالاری و فرهنگ عقب مانده و سنتی، که از ناسیونالیسم موجود در کردستان تغذیه میگردد، جزو وظایف اساسی خود میدانند.

در عرصه خارج کشور، پدیده مهاجرت در میان کردها از کشورهای ایران، عراق و ترکیه و نحوه زندگی و برخورد به آنها در جوامع جدید یکی دیگر از معضلات و مسائلی است که موضوع کار ماست. با توجه به برخورد راسیستی جوامع غرب و پایمال کردن حق برابر شهروندی از طرف قدرتهای حاکم در جامعه و با توجه به حفظ و ابقا فرهنگهای عشیرتی - مذهبی بخشی از مهاجران کردزبان در محیطهای کوچک محلی و گنوهای قومی، زندگی به زنان و کودکان در این خانواده ها را به جهنمی تبدیل نموده است. مبارزه با هر دو وجه توصیف شده در بالا و کسب حقوق برابر برای همه شهروندان و تلاش برای بهبود جدی وضعیت کودکان و زنان در این جوامع را امر خود می‌دانیم. ما می‌کوشیم تا در هر کشور قوانین مدافع برابری و حقوق انسانی کودکان و زنان به یکسان و بدون تبعیض برای همه شهروندان، قطع نظر از هرگونه انتساب آنان به قومیت و فرهنگ و مذهب و نژاد و متشا مهاجرت و غیره به اجرا در آید.

زنده باد جنبش برابری طلبی!

هاله طاهری

مسئول کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان

۵ مارس ۲۰۰۲

Co-ordinator: Halale Taheri
halale_taheri@yahoo.com

Address: KFKS c/o CDWK
Box 15 203

Tel: 0046736162211

104 65 Stockholm- Sweden

Fax: 00468399734

کشتار مردم فلسطین باید فوراً متوقف شود

اشغال فلسطین باید خاتمه یابد

دور جدید جنگ دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین ابعاد جدیدی از جنایات را به نمایش گذاشته است. سیاست در اسرائیل رسماً توسط راست ترین جناح و فاشیست ترین سیاستمداران قبضه شده است. جناح صلح خواه ناتوان از تعیین تکلیف با ایده‌ها و سیاست‌های راسیستی میدان را عملاً برای جناح راست باز گذاشته است. قربانی سیاست فاشیستی به تسلیم کشاندن مردم فلسطین، که توسط شارون اعلام شده، تنها مردم فلسطین نیستند. فاشیسم از جانب اسرائیل، همراه با حمایت آمریکا، قابله فاشیسم اسلامی و عامل باز تولید کننده آن در فلسطین و کل منطقه است که به نوبه خود مردم بیگناه در اسرائیل و در سراسر خاورمیانه را بلحاظ فیزیکی و فکری قربانی میکند. حزب کمونیست کارگری ایران خواستار توقف کامل، فوری و بی قید و شرط کشتار مردم فلسطین و خاتمه اشغال فلسطین، برسمیت شناسی دولت فلسطین و همزیستی مسالمت آمیز و متساوی‌الحقوق آن با دولت اسرائیل است. این تنها راه انسانی و فوری خاتمه وضعیت موجود و تامین زندگی مدنی در فلسطین و اسرائیل است و فرصت خواهد داد تا مردم در اسرائیل و فلسطین فارغ از سطره تحریکات مذهبی و ناسیونالیستی در مورد آینده خود تصمیم بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ اسفند ۱۳۸۰ - ۷ مارس ۲۰۰۲

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست

کارگری را بخوانید

حکومت جنایت و کشتار بیشتر از هر زمانی جدی و تعیین کننده می‌باشد. ترس و لرز سر تا پای حکومت شان را گرفته است. تا دیر نشده باید کارش را یکسره کرد. با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بخش عظیمی از مشکلات و معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر در این ابعاد، که امروزه نه فقط در کردستان، بلکه در تمامی ایران وجود دارد، برای همیشه ریشه کن خواهد شد. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیش شرط پایان دادن به اعتیاد و امید به یک زندگی بهتر و شایسته انسان می‌باشد.

معضل اعتیاد

گسترش مبارزه و اعتراضات مردمی زیر ضرب گرفت. مردم ایران واقشار مختلف جامعه از کارگر و معلم گرفته تا دانشجو امروز در حال سازماندهی و گسترش مبارزه شان بر علیه این جانین می‌باشند. رژیم جمهوری اسلامی امروز شکننده تر می‌باشد. مبارزات مردم و امید شان برای دستیابی به زندگی بهتر و عزمشان برای پایان دادن به بیش از دو دهه

